

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق*

پروانه خسروی زاده

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه تهران

چکیده

در منابع معتبر زبان‌شناسی جهان، آنگاه که سهم شرق در مطالعات زبانی به طور عام و معنی‌شناسی زبان به صورت خاص مطرح می‌شود، تنها مروری مختصر بر بررسی‌های زبان‌شناختی اندیشمندان اسلامی طی قرون دوم تا دهم هجری صورت می‌گیرد. برای نگارنده این سطور همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا به لحاظ منطقی می‌توان پذیرفت که در میان ملل شرقی، شرق کنکاش در مورد پدیده پر رمز و راز زبان، تنها در مقطعی خاص از طول تاریخ و صرفاً در میان اندیشمندان اسلامی برانگیخته شده است؟ و ۲- اگر چنین است، چه انگیزه‌ای برای آغاز آن و چه دلیلی برای ادامه نیافتن این مطالعات پس از قرن دهم هجری می‌توان یافت؟

کلید واژه‌ها: زرتشت، پانینی، مکتب میامسا، اندیشمندان اسلامی، زبان‌شناسی نوین.

مقدمه

مبدأ توجه به پدیده زبان را به دو دلیل عمده می‌توان به آغاز شناخت انسان از خود و جهان خارج نسبت داد. نخست آنکه انسان همواره درصدد بوده تا از زبان، همچون ابزاری قوی در جهت نیل به شناخت جهان، کشف راز و رمز آن و جوابگویی به سئوالات فلسفی خود بهره‌گیرد و از این رو، شاخه‌ای از مطالعات سنتی پیرامون معنی با هدفی فلسفی دنبال شده است. دوم آنکه زبان ابزار اصلی انتقال اندیشه و ایجاد ارتباط است و القای هرچه مؤثرتر مقصود و تأثیرگذاری بر مخاطب، انگیزه‌ای بوده است تا مطالعات سنتی زبان به سمت نقش کاربردی آن در ارتباطات فردی و اجتماعی گرویده، شکل نظام‌مند و علمی آن در قالب مطالعات بلاغی، فن خطابه و سخنوری متجلی گردد.

از این رو، مروری بر پیشینه مطالعات سنتی پیرامون معنی باید دو بعد فلسفی و زبانی آن را دربرگیرد.

۱- «تکاتی در باره مطالعات متفکرین دوره باستان در باب معنی»

بدیهی است انسان در تمامی طول تاریخ و در سراسر گیتی همواره درصدد شناخت جهان پیرامون خود بوده و چنین شناختی، برپایه نظریه‌های فلسفی رشد و تعالی یافته است. چنانکه در یونان باستان، افلاطون برای

* این مختصر، دریافته‌ای از افکار بزرگ‌مردی است که حق اسنادی بر گردن شاگرد تمام کرد. استاد دکتر کورش صفوی، دریادلی است که وسعت بی‌کران دانشش را همه می‌شناسند و سخاوت بی‌پایانش را مریدان مکتب. نوشته حاضر جز با بهره‌گیری از کتاب در دست چاپ ایشان شکل نمی‌گرفت. بدیهی است مسئولیت هرگونه خطایی صرفاً به عهده نگارنده این سطور است.

دستیابی به پاسخ سئوالات فلسفی خود، به طرح نظریه مثل می‌پردازد. در همان‌اوان، مکاتب غیرودایی در هند در راستای شناخت هستی، وجود و خلقت، فلسفه شیوه و شاکتی را ارائه می‌کنند (کریشنان ۱۳۶۷، جلد اول، ص ۳۹۴ - ۳۸۵). در مکاتب ودایی هند مفهوم پیتری شکل می‌گیرد و در ایران آن روزگاران، آئین زرتشت به معرفی فروشی یا فروهر^۱ در عالم برتر می‌پردازد. هم‌زمانی این نظام‌های برجسته فلسفی در دوران باستان، خود عجیب می‌نماید و شایسته تأمل و بازنگری است اما طرح واره‌هایی از این دست در تفکر یونانی به بار می‌نشیند و شکلی نظام‌مند را در مطالعات معنی‌شناسی به خود می‌گیرد، درحالی‌که در آئین زرتشت و تفکر هند، این دیدگاه در چارچوب فلسفه و دین باقی می‌ماند (کریشنان ۱۳۶۷، جلد دوم، ص ۷-۵).

نظریه مثل افلاطون، هرچند با مفهوم فروشی در آئین زرتشت و مفهوم پیتری در وداهای هند شباهت بسیار دارد و پدیده‌ها را تنها تصاویری از نمونه‌های اصلی می‌خواند، اما سمت و سوئی زبانی می‌یابد و واژه‌های زبان را دارای معانی معین از پیش پرداخته‌ای می‌داند که طبیعت جاودانی مثال‌ها را منعکس می‌کنند. در هر سه نظام فلسفی یادشده "کلمه" از تقدسی خاص و مفهومی پیچیده برخوردار است.^۲ در آئین زرتشت، اهورامزدا به معنی خدای حکمت یا خدای حکیم است و اسپنتامینو یا روح مقدس، مظهر اراده یا اندیشه اهورامزداست. در کتاب حکمت سلیمان چنین آمده که: "حکمت با کلمه یکی است و آن ذاتی خدایی است که به صورت مستقل از خدا و در جوار او به سر می‌برد. لوگوس یا کلمه همچون عامل فعال خداوند در جهان، در کار است" (کریشنان، ۱۳۶۷، جلد دوم، ص ۴۰۳).

در فلسفه شیوه و شاکتی، "شیده - برهن" به معنای روح یا ذات کلمه است که به صورت خفته در جسم انسان جای دارد. سه اصل آئین شیوه را جوهر الهی (شیوا)، قدرت الهی (شکتی) و ماده (بیندو) تشکیل می‌دهند که از این میان، دو رکن اولیه این تثلیث مقدس، غیرمادی بوده، هر دو دارای ماهیت آگاهی یا دانش خالصند (کریشنان ۱۳۶۷، جلد اول، ص ۴ - ۴۳۲).

"لوگوس" در تفکر یونانی و دیدگاه افلاطون نیز تعابیر متفاوتی دارد. در رساله "ته‌آئیوس"، واژه "لوگوس" به جز دلالت بر مفهوم "کلمه" در مفاهیم دیگری چون طبیعت، تصور، استدلال، عبارت، بند، جمله و گزاره نیز تفسیر می‌گردد که مختصات معنایی تمامی آنها را می‌توان در واژه "اندیشه" یافت (دینن^۳، ۱۹۶۷).

به این ترتیب، "اسپنتامینو" در تفکر زرتشتی، "لوگوس" در تفکر یونانی و "شکتی" در تفکر غیرودایی هند یکی است و آن، ذاتی خدایی و ابزار غیرمادی است که دارای ماهیت آگاهی و دانش خالص بوده، به‌عنوان

^۱ Fravarti

^۲ آنچه در ارتباط با مفهوم کلمه در این بخش مطرح شده، برخی از مباحث فلسفی مشترک میان سه تفکر هندی، ایرانی و یونانی در مقاله "خاستگاه نظریه‌های زبانی، شرق یا غرب؟" است (ر.ک. خسروی زاده، ۱۳۸۳).

^۳ Dinneen

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق

عاملی فعال در جهان وجود دارد و این همه، در مفهوم آنچه افلاطون، دکارت و چامسکی "منشاء و ماهیت دانش" می‌نامند، متجلی می‌شود (خسروی‌زاده، ۱۳۸۳).
در آیین زرتشت، اشیاء گوناگون عالم مادی سایه‌هایی از حقایق آسمانی و همه موجودات زمینی، تصویری از موجودات کاملی‌اند که از زمین و زمینیان بدورند. در این دیدگاه، هر آنچه به قلمرو خیرتعلق دارد دارای حقیقتی کامل و جاویدان است که فروشی یا فروهر خوانده می‌شود. فروشی‌ها مفاهیم مجرد مشخصی‌اند که قدرت خدا را متجلی می‌کنند (کریشان ۱۳۶۷، جلد دوم، ص ۵). افلاطون نیز بر پایه دیدگاه فلسفی خود، پدیده‌ها را تصاویری از نمونه‌های اصلی می‌پندارد. وی معتقدست، برخلاف پدیده‌های مادی که فناپذیرند نمونه‌های اصلی یا مثال‌ها جاویدان‌اند. از نظر افلاطون، مثال، نوعی وجود غیرحسی است و در عالمی برتر از عالم محسوس قرار دارد.

عصر ودایی

عصر ودایی به دوره‌ای اطلاق می‌شود که آریاهای ایرانی و هندی با هم می‌زیسته‌اند و یا در همان اوان از یکدیگر جدا شده بودند. این عصر به نام کتاب "ودا" که قدمت آن را هندیان از ۴۵۰۰ تا ۴۰۰۰ سال و محققان اروپایی از ۱۴۰۰ تا ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تخمین می‌زنند نامیده شده است (مشکور ۱۳۷۸، ص ۴۳۳).
لفظ "ودا" در زبان سانسکریت به معنی "دانش" است و قدمت سرودهای ودا به حدود ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. در فاصله میان سال‌های ۸۰۰ تا ۵۰۰ پیش از میلاد، تفسیرهایی بر سرودهای ودایی نوشته شد. بخش‌های نهایی این تفسیرها تحت عنوان "اوپانیشاد"^۲ها، مجموعه‌ای از رساله‌های دینی و فلسفی در عصر ودایی‌اند که "تلاش برهن‌ها برای کشف معنی جهان" تلقی می‌گردند. هرچند، تعداد اوپانیشادهایی که امروز در اختیار ماست به حدود ۲۰۰ می‌رسد ولی براساس اسناد موجود تا قرن دوم پیش از میلاد، تنها ده اوپانیشاد وجود داشته است (مشکور ۱۳۷۸، ص ۶-۴۳۲).

پانینی

در قرن پنجم پیش از میلاد، مجموعه وسیعی از دستورهای جامع برای زبان سانسکریت ویژه سرودهای ودا نگاشته شده که اکثر آنها به دستورنویسان ناحیه پنجاب و گنداره تعلق داشته‌اند. پانینی^۳، برجسته‌ترین دستورنویس طول تاریخ زبان‌شناسی، حدود سال ۳۵۰ قبل از میلاد، در ناحیه گنداره، از ایالات شرقی ایران دوره هخامنشی و احتمالاً در شهر شالاتور می‌زیسته است. وی در اثر خود به ده دستورنویس پیش از خود اشاره می‌کند و در این میان، مطالبی را از دستورنویسی به نام "یاسکا"^۴ نقل می‌کند که احتمالاً در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد

^۱ Veda

^۲ Upanishad

^۳ Panini

^۴ Yaska

می‌زیسته است. این نکته نشان می‌دهد که مطالعه دستور زبان ساتسکریت با پانینی آغاز نشده و او از پیشینه مطالعه بر روی این زبان آگاه بوده است (صفوی، زیر چاپ - ک ۲۱).

دستور پانینی متشکل از چهار بخش عمده است. اصلی‌ترین بخش آن که اشتادهایی^۱ [= هشت کتاب] نامیده می‌شود، خود شامل هشت فصل است و فصل دوم و هشتم آن به ویژه به مطالعه معنی زبان می‌پردازد، به طوری که فصل دوم به بررسی اسم‌ها در هم‌نشینی با یکدیگر و حالات نحوی‌شان اختصاص دارد و فصل هشتم به بررسی واژه‌ها در جمله می‌پردازد (صفوی، همان).

روش دستورنویسی پانینی "شاید انوشاسانا" [= نوشته در باب واژه‌ها] نامیده می‌شود و بر این اصل متکی است که تمامی اسامی از افعال اشتقاق می‌یابند. آنچه پانینی در اشتادهایی مطرح می‌کند از یک سو، موشکافی دقیق وی در ساخت صوری زبان را می‌نمایاند و از سوی دیگر، توجه وی را به مسئله رابطه میان صورت و معنی زبان نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد، آنچه تحت عنوان روش تحلیل نحوی - معنایی در دستور حالت^۲ فیلمور مطرح می‌گردد شکل تکامل یافته آرای پانینی در رابطه با تغییر صوری واحدهای واژگانی در حالت‌های مختلف نحوی است که طرحواره آن دو هزار و چهارصد سال پیش از این، در فصل دوم اشتادهایی ترسیم شده است و پانینی، خود از اصطلاح "کاراکای"^۳ برای نامیدن هر یک از این حالت‌های نحوی - معنایی استفاده کرده است (صفوی، همان).

مکتب میامسا

مکتب میامسا^۴، از مکاتب فلسفی هندی در حدود قرن‌های سوم و دوم پیش از میلاد است که به دنبال کشف مبانی فلسفی سرودهای ودا بوده است. شناخت امروز ما از مباحث فلسفی این مکتب، محدود به گزارش‌هایی است که بهارت راری^۵ در حدود قرن پنجم میلادی در کتاب "واکیاپادیا"^۶ ارائه کرده است. در این مکتب دو دیدگاه متفاوت درباره معنی جمله وجود دارد. در دیدگاه نخست، معنی جمله، حاصل جمع معنی واژه‌های تشکیل‌دهنده آن جمله در نظر گرفته شده و جمله، واحد تفکر به حساب آمده است. به اعتقاد پیروان این دیدگاه، اندیشه در قالب جمله شکل می‌گیرد و معنی هر جمله، زمانی قابل درک است که معنی واحدهای تشکیل‌دهنده آن جمله به درستی معلوم گردد. اما پیروان دیدگاه دوم بر این اعتقادند که معنی هر واژه از طریق معنی جمله قابل درک است. به بیان دیگر، معنی دو واژه، زمانی از یکدیگر متمایز می‌گردند که برحسب رابطه جایگزینی واژه‌ها تمایز میان دو جمله بر مخاطب معلوم شود (صفوی، همان).

¹ Astadhyayi

² Case grammar

³ Karaka

⁴ Mimamsa

⁵ Bhartrhari

⁶ Vakyapadiya

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق

آنچه در مکتب میامسا در قرن سوم و دوم پیش از میلاد مطرح می‌شود، نگارنده را به یاد دیدگاه‌های سوسور و طرح وی در مورد محور هم‌نشینی و محور جانشینی می‌اندازد. چنین به نظر می‌رسد که فردینان دوسوسور^۱، بنیان‌گذار علم زبان‌شناسی نوین در قرن بیستم، واحد مطالعه معنی را واژه در نظر می‌گیرد و این انتقادی است که از سوی زبان‌شناسان پس از وی، بر دیدگاه سوسور وارد شده است. در حالیکه در مکتب میامسا مباحثات فلسفی در خصوص انتقال معنی از طریق واژه و یا جمله میان پیروان این مکتب مطرح بوده است.

از سوی دیگر، به زعم نگارنده، آنچه را که امروزه تحت عنوان روابط مفهومی^۲ و معنی‌شناسی ساختاری^۳ مطرح می‌شود، می‌توان مباحث تعمیم یافته و تخصصی‌تری از آرای مکتب میامسا در دوره باستان دانست.

در مکتب میامسا، هر یک از واحدهای زبان، اعم از واج^۴، تکواژ^۵، واژه و جمله دارای دو جنبه بوده است. جنبه صوری و ملموس که dhvani نامیده می‌شد و گوهر اصلی و مجرد که sphota خوانده شده است. به اعتقاد پیروان این مکتب، نمود صوری یک جمله در گرو گذر از سه سطح است. نخست، سطح sphota یا گوهر اصلی و مجرد جمله که در این سطح، تنها جوهر معنایی آن جمله مطرح است. دوم، سطح sphota برای واج‌های آن جمله که صورت انتزاعی و اصلی واج‌ها را تشکیل می‌دهد و سوم سطح dhvani یا سطح ملموس و صوری واج‌های آن جمله. در این سطح سوم، مسئله تفاوت‌های فردی تلفظ یک جمله مطرح می‌گردد (صفوی، همان). به نظر می‌رسد، آنچه لوئی یلمز لف^۶ در نظریه گلوسماتیک^۷ خود طرح می‌نماید، شباهت بسیاری با دیدگاه‌های مکتب میامسا در این خصوص دارد.

در قرن پنجم میلادی، "بهارت راری" در کتاب "واکیا پادیا" به آرای پائینی استاد می‌کند و معتقد است، همانگونه که معنای واژه از کنار هم قرار گرفتن تک‌تک آواهای تشکیل‌دهنده آن قابل درک نیست، معنی یک جمله نیز مجموعه‌ای از معنای واژه‌های تشکیل‌دهنده آن نیست.

به اعتقاد بهارت راری، قایل شدن به اصطلاحاتی چون واژه، ریشه، وند و جز آن، تنها می‌تواند ابزارهایی دستوری به حساب آیند که برای تحلیل زبان در اختیار دست‌نویسان قرار گرفته‌اند. اما معنی زبانی در ماهیت کلی خود تقطیع‌پذیر نیست (صفوی، همان).

یکی از موضوعات مطرح در بررسی‌های معنی‌شناسی که قدمت آن را به رواقیون^۱ نسبت می‌دهند، تفکیک میان ارجاع و مفهوم و جدایی دال و مدلول در زبان است. مدلول در نظر رواقیون هر آن چیزی است که از طریق دانش شنونده درباره زبان و با شنیدن پاره‌ای زبانی در ذهن وی پدید آید. این نگرش به عالی‌ترین شکل آن در دیدگاه سوسور تجلی می‌یابد. در زبان اوستایی و نیز سانسکریت این تمایز با حذف یا افزایش دو واکه "e" و

¹ Ferdinand de Saussure

² semantic relations

³ structural semantics

⁴ phoneme

⁵ morpheme

⁶ Louis Hjelmslev

⁷ glossematic

"æ" به هجای آغازین واژه‌ها نشان داده می‌شود. چنانکه در واژه‌های سپتامینو و اسپتامینو یا هورمزد و اهورامزدا یا ناده و اناده دیده می‌شود، افزایش واکه آغازین به واژه‌هایی از این دست، مفهومی انتزاعی را به ارجاعی ملموس تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، در زبان سانسکریت، تمایز میان واج و آوا با دو واژه "واجیه" و "واجکه" در فلسفه شیوه‌شناختی بیان شده است (کریشان ۱۳۷۶، ص ۴۲۲-۴۴۲).

فرهنگ نگاری

سنت فرهنگ نگاری، تلاش دیگریش در شناخت و بررسی معنای واژگان زبان است و شرق در طول تاریخ، سابقه‌ای طولانی در این زمینه دارد.

فرهنگ‌های یک، دو، سه و حتی چهارزبانه میانرودانی، واژه‌نامه‌های دوزبانه هیتی - اکدی، لووی - هیتی و حوری - هیتی، واژه‌نامه دوزبانه کاسی - بابلی، رساله assussanni از اقوام میتانی، فرهنگ‌های دوزبانه آرامی - پهلوی (پهلویگ) و اوستایی - پهلوی (فرهنگ اویم)، واژه‌نامه‌های سکایی و واژه‌نامه‌های دوزبانه سغدی - مانوی از جمله آثار فرهنگ‌نگاری در شرق دوره باستان دوره میانه است. اینگونه فرهنگ‌ها را می‌توان به انواع الفبایی، موضوعی و آمیخته تقسیم کرد. در این فرهنگ‌ها گاه معنای واژه‌ها به صورت معنای دایره‌المعارفی ارائه شده‌اند و گاه برای هر واژه مترادف‌هایی ذکر شده است (بختیاری ۱۳۸۰، ص ۱۷-۲۷).

معانی و بیان

اما بعد دیگر مطالعات معنی‌شناسی در دوره باستان، کاربرد جملات در معنی ثانوی به دلیل نیل به مقاصد بلاغی و تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب است. این بخش از مطالعه زبان در میان علوم دنیای متعقد قدیم یعنی یونان، مصر، روم، هند و ایران بسیار برجسته می‌نماید و قدمت آن را می‌توان هم‌پایه با قدمت تاریخ تمدن بشر دانست. اخبار و احکام عهد عتیق، مزامیرداود، گفتار زرتشت، کلام‌بودا، مکالمات سقراط و افلاطون و نیز آرای ارسطو همگی مؤید آن است که موضوع خطابه و فن‌سخنوری ریشه‌هایی عمیق در طول تاریخ دارد. بهره‌گیری از صنعت معانی و بیان و علوم بلاغی در گائاهای زرتشت فراوان به چشم می‌خورد و کاربرد استعاره را نیز می‌توان در این سرودهای مقدس یافت.

متأسفانه بسیاری از آثار مکتوب، بر اثر حوادث بسیاری که بر ملل شرقی در طول تاریخ گذشته، از میان رفته‌اند. آنچه از آثار برجای مانده استنباط می‌شود حاکی از آن است که بهره‌گیری از صنایع معانی و بیان و علوم بلاغی در شرق امری ذاتی بوده، به صورت اصول بدیهی و موضوعی^۱ پنداشته شده است، در حالیکه تدوین اصول منسجم آن در کتاب فن خطابه ارسطو رخ می‌نماید. در این رابطه می‌توان به وجود دو فرض قائل شد. یکی آنکه کاربرد صنایع یاد شده در آثار به جای مانده از شرق، مبتنی بر پیشینه‌های نظری بوده که همچون بسیاری از آثار

^۱ axioms (axiomatic principles)

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق

مدون دیگر در طول تاریخ از میان رفته‌اند و دوم آنکه استفاده از صنعت معانی و بیان، علوم بلاغی و صنایع ادبی در شرق باستان، هنری ذاتی بوده و صرفاً جنبه کاربردی داشته است. اما آنچه باید در کانون توجه قرار گیرد این است که مطالعات معنی‌شناختی زبان در شرق باستان در تمامی شاخه‌های یادشده از قدمتی طولانی و دقتی بسیار برخوردار است و فرض تأثیرپذیری شرق از مطالعات زبان‌شناختی غرب، لااقل در دوره باستان، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

تبادل فرهنگی

شرق باستان، به دور از مرزبندی‌های جغرافیایی امروز، سرزمینی یکپارچه بوده، ارتباط فرهنگی و تبادل فکری میان مردم آن به استناد کتیبه بغازکوی، به قرن چهاردهم پیش از میلاد بر می‌گردد که هنوز جدایی میان آریایی‌های هند و ایران به وقوع نپیوسته بود. ذکر نام پادشاهانی چون جمشید، فریدون و کاوس در سرودهای ودا و نیز کتاب اوستا دلیل دیگری بر یکپارچگی این سرزمین در دوره باستان است. اما یونانیان به هنگام لشکرکشی کوروش به کرانه‌های دریای مدیترانه با فرهنگ مردم شرق آشنا شدند. در قرن چهارم پیش از میلاد، افلاطون در کتاب آلیسیادس از زرتشت نام می‌برد و به گفته دیوگنس لائرتیوس، ارسطو حکمت مغان زرتشتی را بر حکمت مصریان مقدم می‌خواند. برخی از محققین اروپایی نیز بر این باورند که افکار ایرانی حتی پیش از زمان سقراط به یونان باستان راه یافته و آثار آن در آرای حکیمانی چون فرکودس^۱، فیثاغورس^۲ و هراکلیتوس^۳ بر جای مانده است (مشکور ۱۳۷۸).

به هر جهت، هرچند امروزه بررسی‌های معنی‌شناختی شرق باستان در بوته فراموشی قرار گرفته، اکثر منابع علمی جهان، تفکر شرق را متأثر از فلسفه غرب می‌دانند و رد پای آرای فلسفی یونان باستان را در بررسی‌های علمی شرق می‌جویند، اما به استناد موارد یاد شده فوق، به نظر می‌رسد بسیاری از مبانی پایه در بررسی‌های زبانی، ملهم از تفکر شرقی است.

از اواخر قرن چهارم پیش از میلاد تا سال‌های آغازین حکومت ساسانی، انقلاب ادبی مهمی در ایران به وقوع پیوست. غلبه اسکندر مقدونی و استیلای جانشینان سلوکی او باعث شد که تمدن، زبان، ادبیات و فلسفه یونانی به تدریج در ایران نفوذ کند و رواج یابد (مشکور ۱۳۷۸، ص ۲۳۵). به نظر می‌رسد، در این دوران بود که خمیرمایه تفکر شرق در دیدگاه‌های فلسفی غرب گم شد.

اواخر حکومت ساسانیان در ایران با آغاز دوره اسلام مقارن است. در این دوران، مطالعات نظری پیرامون زبان، سمت و سویی دیگر یافت. بررسی کتاب آسمانی قرآن و صنایع و معانی مترتب بر آن، انگیزه‌ای قوی برای مطالعات معنی‌شناختی زبان به وجود آورد که در طول هشت قرن، درخشش شکوهمند اندیشمندان اسلامی را در

^۱ Pherecydes

^۲ Pythagoras

^۳ Heraclitus

بررسی‌های نظام‌مند معنی‌شناسی زبان در برداشت (بواس و دیگران ۱۳۷۶). بخش بعدی این نوشتار به بررسی مطالعات نظری اندیشمندان اسلامی طی قرون دوم تا دهم هجری می‌پردازد.

۲- "نگاهی بر مطالعات سنتی اندیشمندان اسلامی در باره معنی"

بررسی‌های سنتی اندیشمندان اسلامی پیرامون معنی در قالب علوم بلاغی، مطالعات نقد ادبی، منطق در حوزه دلالت لفظ بر معنی و منطق گزاره‌ای، نقش معنی‌رسان آواها در بررسی‌های آواشناختی و فقه‌اللغه در مفهوم عام آن صورت گرفته است. علوم بلاغی، خود شامل علم معانی، علم بیان و بدیع است. معانی و بیان از فنون قدیم ادبی است که چنانکه ذکر شد تاریخچه‌ای کهن دارد و از منظر تاریخ، متشاه مطالعات مدون آن به یونان باستان بر می‌گردد (بواس و دیگران ۱۳۷۶).

سیبویه، ابن فارس، ابن جنی، ابونصر فارابی، ابن سینا، ابوهلال عسگری، عبدالقاهر جرجانی، زمخشری، رازی، سکاکی، خواجه‌نصیرالدین طوسی، تفتازانی و سیوطی و نیز جاحظ و ابن‌قتیه از جمله اندیشمندان جهان اسلام‌اند که در زمینه معنی‌شناسی زبان مطالعات نظام‌مند و ارزنده‌ای ارائه کرده‌اند. بسیاری از نظرات این اندیشمندان، در دوره‌های بعد در رشد و تعالی دانش زبان مؤثر افتاده است (خسروی‌زاده ۱۳۷۸؛ افراشی ۱۳۷۸).

سیبویه

اولین رساله دستوری در جهان اسلام، اثری است از سیبویه به نام الکتاب. هرچند سیبویه را اصولاً از نحویون صورت‌نگار می‌دانند اما حوزه بررسی‌های وی در قالب زبان از چنان وسعتی برخوردار است که تمامی شاخه‌های زبان‌شناسی را از آواشناسی، صرف، نحو و معنی‌شناسی در بر می‌گیرد. از سوی دیگر، وی علمی را بنیان نهاد که فقه‌اللغه نامیده شد و در معنای عام آن، شامل مطالعه پیدایش زبان، آمیزش زبان‌های گوناگون با یکدیگر، پیدایش زبان فصیح و گونه‌های زبانی، آواشناسی، دلالت الفاظ، ویژگی‌های تاریخی - تطبیقی واژه‌ها، روابط دستوری میان واژه‌ها در جمله و نیز سبک‌شناسی بود. مسلماً بخش اعظم اثر سیبویه به بررسی صرف، نحو و آواشناسی زبان عربی اختصاص دارد اما وی در این رساله به بررسی معنی در دو سطح واژگان و نحو نیز می‌پردازد. وی در سطح واژگان به رابطه میان آوا و معنی اشاره می‌کند و به اشتراک معنایی و اشتراک لفظی بین واژگان زبان معتقد است. آنچه وی تحت عنوان اشتراک معنایی مطرح می‌سازد، وجود صورت‌های آوایی متفاوت با معانی یکسان [یعنی ترادف یا هم‌معنایی] را نشان می‌دهد و اشتراک لفظی، از دیدگاه سیبویه، همان چیزی است که در نظریه‌های معنی‌شناسی، تحت عنوان هم‌آوا - هم‌نویسه‌گی مطرح شده‌اند. سیبویه در سطح بررسی واحدهای بزرگتر از واژه، به چگونگی انتقال معنی در حوزه نحو می‌پردازد. دیدگاه وی در این ارتباط، به طرز چشمگیری با دیدگاه چامسکی در مورد جملات خوش‌ساخت و بد ساخت دستوری و نیز جملات غیر دستوری معنی‌دار و دستوری بی‌معنی مطابقت دارد.

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق

وی درباب ششم کتاب خود تصریح می‌کند که صحت و سقم کلام، تأثیری در تعیین معنی داری یا بی‌معنایی آن ندارد و کلام می‌تواند بی‌آنکه خوش ساخت باشد، القای معنی کند.

ابن فارس

نخستین کتاب در زمینه فقه‌اللغه به مفهوم عام آن، تألیف ابو‌حسین احمد بن فارس بن زکریا (متوفی ۳۹۵ ه.ق) است و "الصاحبی فی فقه‌اللغه و سنن‌العرب فی کلامها" نام دارد. ابن فارس در این کتاب علاوه بر طرح مسائلی در خصوص پیدایش زبان، ویژگی‌های زبان عربی، گونه‌های جغرافیایی زبان عربی و قیاس و اشتقاق، به بررسی هم‌معنایی و چند معنایی واژه‌ها و ریشه‌شناسی برخی از نام‌های عربی می‌پردازد. وی پیشوای معتقدان به پدیده واژ آمیزی (نحت) نیز محسوب می‌شود (عبدالطوب ۱۳۶۷).

جاحظ و ابن قتیبه

در زمینه نقد ادبی، دو چهره برجسته در جهان اسلام وجود دارد: جاحظ (۲۵۴ ه.ق) و ابن قتیبه (۲۷۶ ه.ق). جاحظ در کتاب "بیان والتبیین" خود به بحث و بررسی رابطه میان لفظ و معنی پرداخته است. بسیاری از تحقیقات اخیر در این زمینه از این اثر تأثیر پذیرفته‌اند. به نظر می‌رسد، جاحظ اولین کسی است که از واژه نظم در رابطه با کتاب آسمانی قرآن استفاده کرده است.

در ارتباط با ابن قتیبه باید گفت که وی در جهت بحث پیرامون نقد ادبی به مثابه یک زمینه خودمدار تحقیقی، گام تازه‌ای برداشته است. وی شالوده موضوعی را بنا می‌نهد که به معانی مترتب بر نیت و اراده شاعر از یک سو و انتظار مخاطبان از سوی دیگر مربوط می‌شود و ابعاد روان‌شناختی رادر این ارتباط مطرح می‌سازد.

ثعلب (۲۹۱ ه.ق) نیز در اثر مشهور خود "قواعد و شعر"، نظام طبقه‌بندی جامعی را برای متون ادبی ارائه می‌کند. در زمینه علم معانی و بیان، پژوهش‌های ادبی مسلمانان به نخستین سال‌های قرن سوم هجری قمری بر می‌گردد. اندیشمندانی چون الفراء، المثنی، ابن قتیبه، المبرد، ابن معتر، قدامه بن جعفر، الرمائی، شریف رضی و عبدالقاهر جرجانی به بررسی کتاب آسمانی قرآن و معانی مترتب بر آن پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد، سیبویه پیشاهنگ و زمینه‌ساز فکری نویسندگان یادشده در ارتباط با مبحث معانی و بیان بوده است.

ابن جنی

ابوالفتح عثمان بن جنی (متوفی ۳۹۲ ه.ق) در کتاب "الخصایص" به مباحثی چون هم‌معنایی، هم‌آوایی، هم‌نویسی، هم‌نامی و اشتقاق می‌پردازد. وی به رابطه میان لفظ و معنی و ارتباط صورت و مشخصه‌های آواشناختی واژه‌ها با معانی آنها اشاره می‌کند و معتقد است، هر واژه از دو جزء تشکیل شده است: ماده یا واج‌های تشکیل‌دهنده آن. هیئت یا وزن موسیقایی آن.

به اعتقاد ابن جنی، در تمامی واژه‌هایی که بر وزن نوسان، غلیان، ضربان و جریان ساخته شده‌اند، نوعی اضطراب و تحرک روانی مشهود است. از سوی دیگر، وی به چند معنایی واژه‌ها اشاره می‌کند و معتقد است، در

واژه‌هایی چون "مسک" به معنی مشک و "مسک" به معنای پوست، علاوه بر شباهت آوایی، نزدیکی معنایی نیز وجود دارد و هر دو دارای مشخصه گیرایی و گیرندگی (قبض) اند.

فارابی

ابونصر فارابی (۳۳۹ ه.ق) از چهره‌های بسیار مشهور جهان اسلام و ملقب به معلم ثانی است. وی هنگام توصیف علم زبان در کتاب "احصاء العلوم" با رویکردی منطقی به تقسیم‌بندی واژگان و دلالت آنها می‌پردازد.

ابوعلی سینا

ابن سینا (۳۷۰ ه.ق) در کتاب‌های "دانشنامه علایی" و "اشارات و تنبیهات" به مبحث دلالت لفظ بر معنی می‌پردازد. وی بلاغت را به انواع معانی، بیان و بدیع تقسیم می‌کند و شرایط خطابه را به لحاظ رعایت ایجاز و اختصار، مورد بحث قرار می‌دهد. از ویژگی‌های خاص ابن سینا واژه‌گزینی اوست که گاه بر پایه بسط معنایی واژه‌ای از پیش موجود، همچون بهره‌گیری از واژه‌های "چندی" و "چونی" برای بیان کمیت و کیفیت، گاه با استفاده از فرایند ترکیب و اشتقاق در زبان فارسی، همچون ابداع واژه‌هایی چون "بخواست" در مفهوم ارادی و "ایستاده به خود" در مفهوم قائم به ذات و گاه بر اساس فرایند آمیزش قرضی و ترکیب واژه‌های فارسی و عربی، همچون "خدمهین" و "حدکھین" در مفهوم حداکبر و حداصغر، به ساخت واژه‌های مورد نظر خود می‌پردازد. ابن سینا در تقسیم الفاظ به کلی و جزئی با ارسطو هم‌رأی است. وی الفاظ را به یک طبقه کلی - همچون انسان یا حیوان که در بر گیرنده تمامی انسان‌ها و حیوانات، بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فردی آنهاست - و یک طبقه جزئی تقسیم می‌کند و معتقد است، هر لفظ کلی می‌تواند در معنایی ویژه نیز به کار رود^۱.

ابوهلال عسگری

ابوهلال عسگری (۳۹۵ ه.ق) با پرداختن به مسائل بلاغی در کتاب "الصناعین"، صنعت سخن گفتن، حسن اقتباس، حسن بیان، حسن سبک، ایجاز و اطاب، سجع، تشبیه و تمایز میان بلاغت و فصاحت را شرح داده است. از سوی دیگر، وی در کتاب "فروق اللغویه" به مسئله ترادف پرداخته و معتقد است در زبان هم معنایی کامل وجود ندارد و در چنین حالتی یکی از دو واژه زاید است. وی نه تنها ترادف، بلکه اشتراک لفظی در زبان عربی را نیز مردود می‌داند. به اعتقاد او، همانگونه که یک لفظ نمی‌تواند بیانگر دو معنی باشد، دو لفظ نیز نمی‌توانند بر یک معنی دلالت کنند، زیرا این امر باعث گسترش بی‌رویه و بی‌ثمر در زبان خواهد شد (عبدالطوب (۱۳۷۶).

جرجانی

عبدالقاهر جرجانی (۴۷۴ ه.ق) ادیبی توانمند و از بنیان‌گذاران علم معانی و بیان است. در سیر تاریخی شکل‌گیری علوم معانی و بیان، گرچه مبانی پیش از ابن‌المعز و عبدالقاهر نهاده شده است، ولی این دو را مؤسس

^۱ ابرالقاسم سهیلی در مقاله‌ای تحت عنوان "اشاره‌ای به نظریه‌های زبان‌شناختی ابوعلی سینا" نظرات ابن سینا را با نظریه معنی‌شناسی تعبیری کتر و فودور در طرح اولیه دستور گشتاری مقایسه می‌کند و شباهت این دودیدگاه به یکدیگر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق

معانی و بیان به شمار می‌آورند. به گفته صفوی، آنچه در میان معنی‌شناسان رای معرفی استعاره تاکنون متداول بوده است، چیزی بیش از گفته عبدالقاهر جرجانی نیست و دقیقاً همان نکته‌ای است که یاکوبسن نیز برای معرفی چگونگی عملکرد استعاره به دست می‌دهد. یعنی انتخاب نشانه‌ای به جای نشانه‌ای دیگر از روی محور جانشینی و برحسب تشابه (صفوی ۱۳۷۹).

جرجانی کاربرد استعاره را تنها مختص شعر نمی‌داند. وی برخلاف ارسطو، اصل را بر تشبیه می‌گذارد و معتقد است، برخی از تشبیهات می‌توانند به صورت استعاره درآیند و برخی دیگر از این ویژگی برخوردار نیستند. عبدالقاهر شعر را نوعی تلاش شخصی در بیان تعبیر ذهنی می‌خواند. به اعتقاد وی، مفهومی که شاعر در شعرش ارائه می‌کند با مفهومی که نحویون از پندار ذهنی خالق اثر، با عبارات متداول ارائه می‌دهند متفاوت است. وی معتقد است، آنچه به شعر حالتی رمزگونه می‌دهد چگونگی ترکیبات شعری است و گویی تلاش شخصی شاعر، معانی مختلفی را در شعر می‌آفریند که با معانی موجود در نثر، متفاوت است. عبدالقاهر همواره معنی را بر صورت نحوی زبان ارجح دانسته و چگونگی ترکیب الفاظ را مایه تقویت معنی به شمار می‌آورد. وی بر این باور است که سیبویه به راز تقدم معنی بر نحو واقف بوده است.

زمخشری

پس از جرجانی، زمخشری (۵۳۹ ه.ق) بزرگترین عالمی است که در زمینه معانی و بررسی متون، تحقیق کرده است. تفسیر وی از قرآن کریم با عنوان "الکشاف" یکی از مهم‌ترین دستاوردهای معنوی در تحقیقات اسلامی است. وی در فرهنگ لغات خود به نام "اساس البلاغه" در هر مدخل، میان کاربرد خاص و کاربرد مجازی واژه تمایز قائل شده است.

شمس‌الدین محمد بن قیس رازی، ادیب و زبان‌شناس اوائل قرن هفتم هجری است. شهرت این دانشمند برجسته اسلام در بررسی‌هایی است که وی در زمینه عروض و قافیه و نیز علم بدیع انجام داده است.

سکاکی

سراج‌الدین ابوبکر یوسف سکاکی، در قرن هفتم هجری، نوعی دایره‌المعارف به نام "مفتاح‌العلوم" تدوین کرد و در آن به جنبه‌های مختلف علم زبان‌شناسی، همچون آواشناسی، واژه‌شناسی، دستور، بلاغت، عروض و استدلال منطقی پرداخت. این اثر، یکی از با ارزش‌ترین آثار موجود در زمینه بلاغت ادبی است. سکاکی به تبعیت از زمخشری، بلاغت را به دو زمینه تحقیقی مکمل تقسیم می‌کند و طبقه‌بندی دقیقی از آن ارائه می‌دهد. از دیدگاه وی، علم معانی به بررسی ویژگی‌های ساختاری پاره‌گفتارها در کلام و ارزشیابی آنها اختصاص می‌یابد و هدف از این بررسی، پرهیز از خطاها بر اساس موقعیت‌ها و نیازهای ارتباطی است. در این حیطه، بسیاری از مسائل مربوط به معنی‌شناسی دستوری و کاربردشناسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، علم بیان، نظامی است توصیفی که به چگونگی بیان یک معنی خاص به شیوه‌های مختلف و درجات وضوح متفاوت می‌پردازد.

اما سکاکی نظام سومی را به این دو زمینه تحقیقی می‌افزاید که علم بدیع خواننده می‌شود. نقش این نظام، بررسی شیوه‌ها و تکنیک‌هایی است که توسط آنها پردازش متن، با بهره‌گیری از ابزارهای معنایی یا ابزارهای صوری و ساختاری صورت می‌گیرد. وی به استعاره، مجاز، کنایه، دلالت لفظ بر معنی، التزام و تضمن، محکامات و تشابهات و تأویل و تفسیر جملات نیز پرداخته است.

سکاکی در کتاب *مفتاح العلوم*، مبحثی را به استدلال اختصاص داده و برای نخستین بار، منطق را به حوزه علوم بلاغی وارد کرده است.

خواجه نصیرالدین طوسی

ابوجعفر نصیرالدین محمدطوسی، در کتاب *اساس الاقتباس*، به اصول لفظی مباحث منطق می‌پردازد. از سوی دیگر، وی مفاهیم اشتراک و ترادف را مختص اسم نمی‌داند و آنها را به مقوله فعل، حرف و ترکیبات نیز تعمیم می‌دهد.

خواجه نصیر دلالت لفظ بر معنی را به سه گونه متفاوت طبقه‌بندی می‌کند:

دلالت یک لفظ بر یک معنی

دلالت یک لفظ بر چند معنی

دلالت چند لفظ بر یک معنی

سپس به روابط واژگانی و معنایی ترادف، تباین، تجانس و الفاظ مشترک می‌پردازد. در توصیف الفاظ مشترک، حضور واژه "چشمه" در چشمه آب و چشمه آفتاب را نمونه می‌آورد و آنگاه الفاظ مشترک را به تشابه و متفقه تقسیم می‌کند. لفظ متفقه لفظی است که برای یک معنی وضع می‌گردد اما به دلیل مشابهت، برای دلالت بر معانی دیگر نیز به کار می‌رود. اما کاربرد لفظ تشابه می‌تواند به دلیل معنایی یا غیرمعنایی باشد. مشابهت می‌تواند تام یا غیرتام باشد و گاه، این کاربرد به دلیل اشتراک در مشخصه‌ای خاص روی می‌دهد. برای مثال، واژه "سر" در سر حیوان و سرشمیر مشابهت لفظ به‌شمار می‌آید، اما دلالت لفظ لینی بر ماست و پنیر، به دلیل اشتراک این دو ماده در مشخصه‌ای است.

خواجه نصیرالدین طوسی به بررسی انواع تقابلی‌های معنایی می‌پردازد و آن را در جفت واژه‌هایی چون زن/مرد و زن/شوهر به بحث می‌گذارد. وی برخی از الفاظ تشابه را دارای جفت تقابلی می‌داند و برخی دیگر را فاقد جفت متقابل می‌خواند. به طور مثال، واژه "طاق" به معنای فرد را در تقابل باواژه "جفت" قرار می‌دهد، درحالی‌که واژه تشابه "طاق" به معنی سقف را فاقد جفت تقابلی می‌داند. وی از سوی دیگر، به وجود تقابلی‌هایی قائل است که وقوعشان در هم‌نشینی واژه‌ها قابل پیش‌بینی است. برای نمونه، وی به تقابل میان "آواز تیز" و "چاقوی تیز" اشاره می‌کند.

تفتازانی

کتاب "المطول" تفتازانی معروف‌ترین کتاب در باب معانی و بیان و بدیع عربی است. تفتازانی در بسیاری از مسائل بلاغی ابداع‌گر به شمار می‌آید و نظری مستقل ارائه می‌دهد. وی در کتاب المطول به تحقیقی فراگیر در زمینه فنون بلاغت دست‌زده و به مباحثی چون معنای دستوری شامل مسند و مسندالیه، اسناد خبری، تعاریف ضمیر، موصول، اشاره، اضافه، اوصاف، عطف، تفید فعل به مفعول مطلق، متعلقات فعل و جمله و انواع آن در مبحث علم‌المعانی پرداخته است. سپس در بخش دیگری به معانی حقیقی و مجازی، استعاره، کنایه، شرایط حسن استعارات و اطلاق مجاز در ارتباط با علم بیان می‌پردازد. آنگاه، در آخرین بخش کتاب خود، به بررسی معنی از طریق مطابقت دست می‌زند.

سیوطی

سیوطی (۹۱۱ ه. ق) دست‌نویس برجسته قرن دهم هجری است که به لحاظ بررسی معنی‌شناسی تاریخی شهرت دارد. وی به مطالعه واژه‌های مترادف، متضاد و معرف در طول زمان می‌پردازد و درباره اشتراک لفظی بر این اعتقاد است که لفظ مشترک، لفظی است که در نظر اهل زبان بر دو یا بیش از دو معنی مختلف به‌طور یکسان و برابر دلالت می‌کند.

وی به نقل از ابن درستویه درباره اشتراک لفظی می‌نویسد، اگر وضع یک لفظ برای دو معنی جایز باشد، ابهام و پیچیدگی در زبان افزایش می‌یابد و نمونه‌های نادری که از این الفاظ یافت می‌شوند یا از دو زبان مختلف وارد شده‌اند و یا به سبب حذف و اختصار در زبان، به هم شبیه شده‌اند و چون دلیل حذف یا اختصار بر اهل زبان فعلی روشن نیست، تشخیص معانی آنها مشکل‌آفرین می‌شود.

کتاب "المزهر فی علوم‌اللغه و انواعها" سیوطی آکنده از پژوهش‌های گوناگون زبانی است. در این کتاب دو جلدی، مباحثی چون بحث در پیدایش زبان‌ها، زبان‌های ساختگی، فصیح، غریب، مستعمل و مهمل، توافق زبان‌ها، تداخل زبان‌ها، اشتقاق، ترادف، اشتراک، تضاد، ابدال، قلب و نحت (واژ آمیزی) مطرح شده‌اند. در یک نگاه کلی می‌توان گفت، پژوهش‌های نظام‌مند ادبی، از نیمه‌های قرن دوم هجری در بین مسلمانان آغاز شد.

اصطلاحات معانی و بیان و ارائه مفاهیم علمی آنها از اوائل قرن سوم هجری، به بررسی‌های زبانی مسلمانان راه یافت. بحث پیرامون مسئله صدق و کذب خبر و تأثیر اعتقاد گوینده در شرط صدق، به‌وسیله جاحظ بنیان نهاده شد.

سیبویه نخستین بار به مسئله دلالت لفظ بر معنی پرداخت و به ارائه نظراتی در ارتباط با مفاهیم اشتراک معنایی، ترادف، صدق و کذب کلام و ارتباط میان دستور و انتقال معنی دست زد. ثعلب تفاوت بار معنایی در واژه‌های مترادف را در کانون توجه قرار داد و این جنبی رابطه میان آوا و القای معانی متفاوت را مطرح کرد. بحث پیرامون دلالت لفظ بر معنی در آثار فارابی و ابن سینا شکلی نظام‌مند گرفت. المعتر به طبقه‌بندی برخی اصطلاحات در

حوزه بلاغت پرداخت و جرجانی ابهامات و پیچیدگی‌های معنی در نثر و شعر را مورد نظر قرار داد. زمخشری کاربرد خاص واژه‌ها را از کاربرد استعاری آن تفکیک کرد و سکاکی مهم‌ترین اثر در زمینه بلاغت در زبان عربی را تألیف کرد. خواجه نصیرالدین طوسی به بررسی علمی انواع دلالت پرداخت و تقابل‌های معنایی را با ذکر جزئیاتی ارزشمند مطرح نمود. تفتازانی به تحقیقی جامع در علوم بلاغت دست زد و معانی دستوری، معانی حقیقی و مجازی، استعاره، کنایه، شرایط حسن استعارات و بررسی معنی از طریق مطابقت را مورد بررسی قرار داد و در نهایت، سیوطی به معنی‌شناسی تاریخی و شناخت ریشه واژه‌های عربی پرداخت.

۳- " چند نکته درباره مطالعات معنی‌شناختی از قرن دهم هجری تا آغاز دوره زبان‌شناسی نوین "

دستاوردهای مسلمانان در بررسی‌های زبان‌شناختی طی قرون دوم تا دهم هجری قمری، از جایگاه رفیعی برخوردار است. اطلاعاتی که از سوی مسلمانان به زبان‌شناسی انتقال یافت در اواخر دوره قرون وسطی از طریق اسپانیا و با مطالعه زبان عربی و به تبع آن، زبان عبری به اروپا راه پیدا کرد و تأثیر بسزایی در مطالعات زبان‌شناختی غرب بر جای گذاشت (صفوی، زیر چاپ).

اما پس از قرن دهم هجری، عصر درخشان مطالعات زبانی در مشرق زمین و در میان اندیشمندان اسلامی رو به افول گذاشت.

در این دوران، پرسش‌های فلسفی پیرامون معنی، تغییر ماهیتی اساسی داده، جای خود را به کنکاش‌هایی در مورد اصول فقه و تشیع داد. چنین تغییر ماهیتی، خود نشأت گرفته از آن بود که بسیاری از محققین علوم زبانی، به دلیل شرایط سیاسی حاکم، به هند مهاجرت کردند و تأثیر فرهنگ و تفکر هند بر مهاجران ایرانی‌الاصول و مسلمان، باعث شد که شعر و شاعری در کانون توجه قرار گیرد و مطالعات زبانی، سمت و سویی صرفاً ادبی به خود گیرد. از سوی دیگر، متفکرین و اندیشمندان این دوران، برای بیان اندیشه خود به بهره‌گیری از صنایع تشبیه و استعاره و ابهام و کنایه روی آوردند. بدین ترتیب، کاربرد معنی زبانی و استفاده از ابزارهای معنایی در زبان، جایگزین نظریه‌پردازی و مطالعات نظری شد. عمده‌ترین فعالیت‌های معنی‌شناختی در هند این دوران را می‌توان در دو شاخه فرهنگ‌نویسی و مطالعات ادبی دنبال کرد.

فرهنگ آندراج، فرهنگ رشیدی و برهان قاطع نمونه‌هایی از این فرهنگ‌های مدون‌اند.

اما در قالب مطالعات ادبی در هند، خاندان قاضی بدرالدوله سهم بسزایی دارد. کتاب تحفه‌الحقیر تألیف قاضی رضی‌الدین مرتضوی (۱۰۴۳ ه. ق.)، نمونه‌ای از آثار مکتوب این خاندان است که مباحث صنایع و بدایع، اصناف سخن، حکایات و لطایف و ظرایف را دربرمی‌گیرد.

پایان سخن

در این مختصر، سعی بر آن بود تا برخی از مبانی پایه در بررسی‌های زبان‌شناسی نوین بادیگاه‌های فلسفی - مذهبی شرق باستان تاکنون، مقایسه گردد. حاصل این تلاش در سه برهه زمانی طبقه‌بندی شد و در هر برهه، گوشه‌ای از سهم شرق در مطالعات نوین زبانی مطرح گردید.

از این‌رو، در بخش نخست، چند اصل مشترک در نظام‌های برجسته فلسفی دوران باستان موردبازنگری قرار گرفت. در این میان به مواردی استناد شد که نشان می‌دهند مطالعات معنی‌شناختی در شرق باستان از قدمتی طولانی و دقیقی بسیار برخوردار است. در بخش دوم، مروری گذرا بر بررسی‌های سنتی اندیشمندان اسلامی پیرامون معنی زبانی صورت گرفت و برخی از دستاوردهای مسلمانان در بررسی‌های زبان‌شناختی معرفی گردید. در بخش سوم این نوشتار، تغییر نگرش محققان ایرانی به معنی زبانی در هزاره دوم هجری قمری مطرح شد. به نظر می‌رسد، چنین رویکردی در نتیجه تغییر ماهیت سئوالات فلسفی در این دوران باشد.

منابع

- ۱- ارشاد، فرهنگ (۱۳۷۹) مهاجرت تاریخی ایرانیان به هند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
- ۲- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۴) " اندیشه گراینده به اشراق و اندیشه گراینده به خرد"، فصلنامه هستی، چاپخانه بهمن، تهران.
- ۳- اسمارت، نینیان و دیگران (۱۳۷۸) سه سنت فلسفی، ترجمه ابوالفضل محمودی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، تهران.
- ۴- افراشی، آرزینا (۱۳۷۸) "نگاهی به پیشینه مطالعات سنتی اندیشمندان اسلامی در باره معنی"، چاپ نشده.
- ۵- بختیاری، آرمان (۱۳۸۰) " فرهنگ نگاری در ایران باستان"، مجله نامه ایران باستان، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۰، تهران.
- ۶- بواس. جی. بی. گی. یام و ج. ا. کولوگیلی (۱۳۷۶) سیر زبان‌شناسی در جهان اسلام و دیرینه‌زبان‌شناسی عربی، ترجمه سیدعلی میرعمادی، انتشارات رهنما، چاپ اول، تهران.
- ۷- تفضلی، احمد (۱۳۷۵) تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، انتشارات سخن، چاپ اول، تهران.
- ۸- جعفری، علی‌اکبر (۱۳۵۹) ستوت یسن، گات‌های آشوزرتشت و سرودهای وابسته به آن، انتشارات فروهر، چاپ اول، تهران.
- ۹- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۷۲)، تاریخ علوم و فلسفه ایرانی، انتشارات کومش، چاپ اول، تهران.
- ۱۰- خسروی زاده، پروانه (۱۳۷۸) نگاهی گذرا به تاریخچه معنی‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، رشته زبان‌شناسی همگانی، تهران.

مجله زبان و زبان‌شناسی

- ۱۱- خسروی زاده، پروانه (۱۳۸۳) "خاستگاه نظریه‌های زبانی؛ شرق یا غرب؟"، فصلنامه پازند، سال اول، شماره اول، تهران.
- ۱۲- رازی، عبدالله (۱۳۷۱) تاریخ کامل ایران، انتشارات اقبال، چاپ نهم، تهران.
- ۱۳- رضایی، عبدالعظیم (۱۳۶۸) تاریخ ده‌هزارساله ایران، جلد اول، از پیدایش آریاها تا انقراض مادها، انتشارات اقبال، چاپ دوم، تهران.
- ۱۴- رویینتر، آراج (۱۳۷۳) تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، انتشارات مادوابسته به نشر مرکز، چاپ دوم، تهران.
- ۱۵- ساسانی، فرهاد (۱۳۷۷) "پژوهش‌ها و نگرش‌های زبانی و زبان‌شناختی ابن‌سینا"، فصلنامه زبان و ادب شماره ۳، سال دوم، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- ۱۶- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، تهران.
- ۱۷- شمس، فرهاد (۱۳۸۴) "نگاهی به پیشینه مطالعات استعاره"، فصلنامه زبان، ادبیات و فلسفه هزوارش، شماره ۱، سال اول، نشر خانه فرهنگ دانشجو، تهران.
- ۱۸- صفوی، کورش (۱۳۷۳) از زبان‌شناسی به ادبیات، جلد اول: نظم، نشر چشمه، چاپ اول، تهران.
- ۱۹- صفوی، کورش (۱۳۷۹) درآمدی بر معنی‌شناسی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، چاپ اول، تهران.
- ۲۰- صفوی، کورش (۱۳۸۲) معنی‌شناسی کاربردی، انتشارات همشهری، چاپ اول، تهران.
- ۲۱- صفوی، کورش (زیر چاپ) آشنایی با تاریخ زبان‌شناسی، تهران: سعاد.
- ۲۲- طه، پیام (۱۳۷۶) سیبویه و زبان‌شناسی نوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، رشته زبان‌شناسی همگانی، تهران.
- ۲۳- عبدالتواب، رمضان (۱۳۷۶) مباحثی در فقه‌اللغه و زبان‌شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، معاونت آستان قدس رضوی.
- ۲۴- فارابی، ابونصر. احیاءالعلوم، ترجمه حسین خدیوچم، انتشارات علمی-فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
- ۲۵- کریشنان، سروپالی رادا و دیگران (۱۳۶۷) تاریخ فلسفه شرق و غرب، جلد اول، ترجمه خسرو جهان‌انداری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
- ۲۶- کریشنان، سروپالی رادا و دیگران (۱۳۶۷) تاریخ فلسفه شرق و غرب، جلد دوم، ترجمه جوادیوسیفیان، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
- ۲۷- مشکور، محمدجواد (۱۳۷۸) نامه باستان، به کوشش سعید میرمحمدصادق و نادره جلالی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران.
- ۲۸- مصاحب، غلامحسین (۱۳۴۵) دایره‌المعارف فارسی، مؤسسه انتشاراتی فرانکلین، تهران.
- ۲۹- معین، محمد (۱۳۷۱) لغت‌نامه، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، تهران.

تکاتی چند درباره مطالعه معنی در شرق

۳۰- نیرنوری، حمید (۱۳۴۵) سهم ایران در تمدن جهان، انتشارات شرکت ملی نفت ایران، چاپ اول، تهران.

31. Dinneen, S.J.F.P(1967) An Introduction to General Linguistics, Georgetown University.

32. Mahmooda, Rahat (1993) The Contribution of the House of Qadi Badruddaullah to Persian Literature, Ph.D Thesis, University of Madras.